



انتخابات مجلس - ترفند نظام برای گول زدن افکار عمومی - شماره 2

مسئله انتخابات هفتمین دوره مجلس شورای اسلامی شاید نقطه آغازی برای پایان عصر شوم و بدعاقبت نظام منفور و فرمایشی جمهوری اسلامی در ایران باشد. امروز درگیری های دو جناح باصطلاح “اصلاح طلب” (شامل اصلاح طلبان دولتی که هر تغییری را در چارچوب حفظ نظام موجود می طلبند) و “محافظه کار” ابعاد بسیار جدی و فراگیری پیدا کرده است. این بدان معنی نمی باشد که محافظه کاران و یا اصلاح طلبان دولتی در جهت تأمین منافع ملی ایران و یا استقرار جامعه مدنی و قانونمند بر اساس مردمسالاری با یکدیگر به مقابله برخواسته اند، بلکه تنها انگیزه هایی که آنان را به مقابله با یکدیگر برانگیخته است فقط تضاد منافع جناحی و روی کار ماندن آنان در اریکه قدرت می باشد و بس. از آنجا که در این راستا، تحصن نمایندگان اصلاح طلب جدیدترین نمونه اینگونه درگیری ها می باشد، چند نکته مهم نیاز به بررسی بیشتر دارد:

● 1. اصلاح طلبان در اولین حله خواست خود را برای پایان تحصن، تغییر نظر شورای نگهبان و تأیید صلاحیت آنان برای شرکت در انتخابات آزادی است (!) که بر اساس موازین قانون اساسی جمهوری اسلامی برگزار خواهد شد. چنین برداشتی، یکبار دیگر به روشنی نشان میدهد که درگیری اکثریت این افراد با محافظه کاران دارای کوچکتري بعد اصولی نبوده و صرفاً بر پایه منافع جناحی استوار می باشد.

● 2. اکثریت قاطع نمایندگان اصلاح طلب در مدت 4 سالی که مسئولیت دفاع از حقوق شهروندان ایرانی را بعهده داشته اند، همواره در مقابل مداخلات و عکس العمل های ولی فقیه و قوه قضائیه در رابطه با رد نظرات و مصوبات مجلس (پیرامون مسائل فوق العاده مهمی چون رد نظارت استصوابی و اصلاح قانون انتخابات، اصلاح قانون مطبوعات، قانون مربوط به “جرم سیاسی” و منع شکنجه، حقوق زنان و غیره) سر تعظیم فرود آورده و هرگز در صدد تحصن و یا استعفا بر نیامده اند. این افراد ضمناً تا زمانیکه منافع و مصالح شخصی شان در مخاطره قرار نگرفته بود، ضرورتی نیز برای تحصن در رابطه با مسائل دیگری از قبیل سرکوب اعتراضات آرام دانشجویان، عدم رسیدگی به پرونده قتل های زنجیره ای و شکنجه و قتل زهرا کاظمی پیدا نمودند و در ارتباط با دیگر مباحثی چون نقض مداوم حقوق بشر و به ویژه حقوق زنان و تاراج و حیف و میل ثروت و منافع ملی تنها سکوت اختیار کردند. لذا با نهایت نأسف جایی برای تردید وجود ندارد که آنها زمانی دست به اعتراض میزنند که فقط نگران از دست دادن منافع و موقعیت شخصی خود می باشند.

برای توده های مردم، اعم از پیرو جوان، زن و مرد، دانشجو، کارگر، فرهنگی و نظامی، همگی فارغ از درگیری های دوجناح بر تحریم انتخابات فرمایشی تاکید می نمایند و راه نجات را تنها در تغییر رژیم حاکم و برگزاري يك رفراندوم آزاد می بینند. در شرایطی که به وضوح روشن است که نظام حاکم حتی نیاز به «فیلتر» کردن عوامل «خودی» دارد که همه از زمره طرفداران قانون اساسی موجود و نظام مطلقه ولی فقیه می باشند، دیگر تکلیف مخالفین که شاید نزدیک به 90% جامعه امروزی ایران باشد در چنین سیستم «دموکراسی اسلامی» روشن است و شرکت مجدد و مکرر آنان در اینگونه خیمه شب بازی ها دردی را دوا نم سازد و فقط باعث می گردد که این حکومت ضد مردمی بتواند ادعا و بهانه داشتن نوعی مشروعیت کاذب به منظور تداوم بخشیدن به حکومت نکبت بار خود پیدا کند.

اما امروز، همانطور که در انتخابات شوراهای محلی نیز ملاحظه گردید، مردم ایران و به ویژه نسل جوان به آن درجه از درک و شعور سیاسی رسیده اند که دیگر گول اینگونه ترفندها و بازی های جناحی را نخورند.

سازمان مشروطه خواهان ایران «خط مقدم» که در زمره اولین سازمانهای مبارز سیاسی بود که در شهریورماه سال جاری علناً خواستار تحریم این انتخابات فرمایشی گردید (به اطلاعیه مطبوعاتی شماره 100 در سایت سازمان رجوع شود)، معتقد است که وظیفه اپوزیسیون در این مرحله از تاریخ کشورمان بسیار حساس و سرنوشت ساز خواهد بود و تنها با ایجاد هماهنگی میان گروه های «غیر سازشکار» و معتقد به آزادیخواهی و مردمسالاری است که میتوان با سازماندهی و تعیین برنامه های مشخص به منظور هدفمند کردن اعتراضات مردمی، زمینه های لازمه برای کسب اعتماد مردم در ایران و پشتیبانی معنوی جامعه بین المللی در خارج را فراهم آورد و کشور طوفان زده و بلاخیزمان را به ساحلی امن و آرام هدایت نمود.

سازمان مشروطه خواهان ایران «خط مقدم»

28 دیماه 1382 برابر با 18 ژانویه 2004

POB 326, London SW15 3NN, UK

www.cmi-fl.com